پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۲۹-سال دوم دوشنبه ۵ عقرب ۴۸ ۲۷ اکتوبر ۶۹، شماره مسلسل ۸۰

درود پرشور به روان شهیدان راه آزادی و دموکراسی

درود به قربانیان ۳ عقرب!

حادثۀ خونین ۳ عقرب اکنون به نهضتی ضد استبداد و ضد ارتجاع مبدل گردیده است. چهار سال قبل در آغاز اولین دوره تقنینیه بر اساس قانون اساسی جدید کشور تراکم رنج‌های مردم بنا بر استبداد طولانی مظاهره مسالمت‌آمیزی را به وجود آورد که انگیزۀ آن علنی شدن جلسه رأی اعتماد بر حکومت در ولسی‌جرگه گردید. ولی در اثر تفتین محافل حاکمه و ارتجاعی و مداخلات غیرقانونی، مظاهرۀ قانونی و مسالمت‌آمیز محصلان، شاگردان و شهریان کابل تبدیل به واقعۀ خونین و المناک ۳ عقرب گردید.

به خاطر یادبود از شهیدان واقعه المناک و خونین ۳ عقرب همه‌ساله درین روز مظاهرات و میتینگ‌های ضد استبداد و ضد ارتجاع از طرف محصلان، شاگردان و شهریان کابل برپا می‌گردد. امسال نیز، بدین مناسبت تظاهراتی به وجود آمد.

ما پیوسته سعی ورزیده‌ایم تا در برگزاری ۳ عقرب، روزی که به همه ارتباط دارد، متحدانه اشتراك ورزیم. ولی نکته که درین زمینه قابل تذکر و مایه تأسف می‌باشد اینکه: طی این چند سال عوض آنکه تمام عناصر و نیروهای ضد استبداد و ضد ارتجاع در نهضت ۳ عقرب تحت پلتفرم مشترك و شعارهای مشترك متحدانه اشتراك ورزند و ازین حادثه که در آن جان‌های چند تن از جوانان وطن قربان گردیده است، برای استحکام مبارزه عمومی ضد سیاست و نیروهای استبدادی و در راه تکامل نهضت به خاطر تأمین و دفاع آزادی‌های وسیع دموکراتیک مردم استفاده گردد، تلاش صورت می‌گیرد تا از آن برای رکلام کردن سازمان‌های سیاسی و ایدیولوژی خود بهره‌برداری کنند. در تحلیل این روز امسال متأسفانه بیشتر از سال‌های قبل توسط عدۀ از فتنه گران و اخلالگران تفتین صورت گرفت. اتحاد میان تمام نیروهای دمکراتیك و ملی بر این عمل مشترك ضد استبداد و ضد ارتجاع که بیش از هر وقت دیگر و به مناسبت هر حادثه دیگر، درین روز (۳ عقرب) ممکن و میسر می‌باشد، عمداً توسط خرابکاران و نفاق افگنان برهم خورد.

از آنجائی که نهضت ۳ عقرب یك نهضت عمومی متعلق بمردم و مظهر روشن مقاومت ایشان ضد نیروی‌های وحشی استبدادی و ارتجاعی کشور می‌باشد؛ بنا بران نمی‌تواند محافل و گروه‌های سیاسی آن را برای منافع گروپی و محفلی خود مورد استعمال قرار دهند و نهضت را قربان رکلام کردن خود و گروپ‌های خود سازند.

درحالی‌که ما تأسف عمیق خود را نسبت به چنین اعمال ناشیانه و کودکانه برخی از گروه‌ها و محافل سیاسی درین زمینه ابراز می‌داریم و اعمال فتنه‌انگیزانه اخلالگران را که هدف شان بدنام کردن نهضت عمومی کشور و من‌جمله نهضت ۳ عقرب می‌باشد جداً تقبیح می‌نماییم، به مناسبت یادبود از شهیدان ۳ عقرب، به خاطرۀ تابناک مبارزان وطن که جان‌های عزیز ایشان در راه آزادی و طرد استبداد قربان گردیده است به روان همه شهیدان وطن که الهام‌بخش مبارزان راه آزادی، دموکراسی و استقلال کشور ما می‌باشند، درود پرشور می‌فرستیم!

ضرورت تشکیل یک صف

متحد ملی در ولسی‌جرگه

مسأله روشن است که اکثریت وکلا را در دورۀ کنونی ولسی‌جرگه (مشابه دوره دوازدهم) نیز نمایندگان طبقات حاکمه جامعه تشکیل می‌دهد. به همین جهت ولسی‌جرگه من حیث ماهیت خود بطور کلی وسیله ایست در دست هیأت حاکمه و حکومت. گر چه در آغاز کار این مجلس مانند دورۀ دوازدهم در تعیینات اداری (و انجمن‌های ولسی‌جرگه) علاوه بر آنکه بطور کلی ... طبقاتی مطمح نظر بوده است، تمایلات سمتی نیز به ملاحظه رسید. ولی معلوم است که بعداً صف بندی روشن روی منافع طبقات حاکمه جامعه و موضع‌گیری در جهت حکومت که خود جزء هیأت حاکمه است صورت میگیرد. تجربۀ دوره دوازدهم شوری نشان می‌دهد که این گروه، جناح دست راستی طبقات حاکمه در پارلمان علاوه بر آنکه مؤید اغلب طرح‌های حکومت می‌باشند حتی بعضاً موضع‌گیری راست‌تر از حکومت را در برخی قضایا اختیار می‌نمایند. مثال‌های فراوانی درین زمینه در دورۀ دوازدهم ولسی‌جرگه وجود دارد.

در قبال چنین وضعی که در شوری حکم‌فرماست، عناصر ملي و مترقی که تعدادشان در ولسی‌جرگه محدود است، تا جایی که به مجلس ارتباط میگیرد، مسؤولیت بزرگی به عهده دارند. چون این گروپ کوچك در داخل پارلمان در برابر جناح نیرومند دست راستی قرار دارند، به‌حکم وظیفه و ضرورت باید فشرده بهم نزدیك گردند. درین شکی نیست که در میان ایشان نیز اختلافات سیاسی، سازمانی، ایدئولوژیك و غیره وجود دارد. ولی امر پیشبرد جنبش آزادی‌بخش ملی و اجتماعی ایجاب مینماید که لااقل در داخل مجلس تمایلات «حزبی» سازمانی، گروهی (گروپی) و منافع تنگ‌نظرانه سیاسی و سازمانی خودرا کنار بگذارند و روی وجوه مشترك (نه وجوه افتراق یا اختلاف به‌منظور عمل مشترك ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد استعمار گرد آیند. در صورتی که این‌ها به این امر توفیق حاصل نمایند، در واقع هسته یك صف متحد ملی «اپوزیسیون» را در داخل مجلس به وجود می‌آورند که امکان بسط و توسعه آن در خارج پارلمان نیز برده میشود.

تا آنجائی که مسأله به جریان دموکراتیک خلق افغانستان در ولسی‌جرگه ارتباط میگیرد مطمح نظر همین طرح ایجاد یك هسته ملی در وهله اول در داخل ولسی‌جرگه به‌منظور انجام عمل مشترك و جلب عناصر دیگر وسطی در اطراف آن و رشد این هسته در داخل و خارج پارلمان صرف نظر از اختلافات

(ص ۳)

در راه وضع قوانین دموکراتیک

به‌مثابه شعار روز باید مبارزه کرد!

آزادی‌های مصرح در قانون اساسی جدید افغانستان از ابتدای انفاذ تاکنون پیوسته از طرف مستبدین، مرتجعین و متنفذین نقض گردیده و به بهانه عدم وجود قوانین فرعی مورد تطبیق قرار نگرفته است. هیأت حاکمه افغانستان نیز در جهت منافع طبقات حاکم و بزیان مردم مواد قانون اساسی را و در بسی موارد با تعبیرات و توجیهات نادرست آن‌ها مورداستفاده قرار داده است.

نکته قابل‌توجه در ین زمینه بحث بر سر مسأله توجیه و تفسیر کلی از قانون اساسی و از مواد جداگانه آن می‌باشد. درین جاست که میان نیروهای ملی و مترقي از یکسو و نیروهای ارتجاعی و استبدادی از سوی دیگر اختلاف اساسی درین مورد به وجود می‌آید نیروهای ملی و مترقی سعی می‌کنند تا مواد مندرج در قانون اساسی در جهت منافع اکثریت عظیم توده‌های مردم، در جهت تأمین آزادی، دموکراسی و ترقی کشور توجیه گردد ولی نیروهای ارتجاعی و استبدادی در پی آنانند که بسود ستمگران، خائنین به منافع ملی، رشوه ستانان، مستبدین، مرتجعین و متنفذین

(ص ۳)

نگاهی بر محیط غیر صحی مرگبار

و آفت زأ کشور

شرایط حیات مادی و معنوی توده‌های وسیع مردم افغانستان آفت زأ و مرگبار است. خلق رنجدیده کشور به فقر و محرومیت‌های مادی و فرهنگی بشدت معروض می‌باشند.

شرایط فوق‌العاده نامساعد حیات در کشور ما بر سلامت و تندرستی مردم شدیداً لطمه وارد مینماید و بازده کار آن‌ها را به میزان زیادی تقلیل می‌دهد که این امر تأثیر سوء بر رشد تولید ملی وارد می‌کند.

بنابر همین شرایط ناگوار زندگی و عدم مراقبت صحی است که در افغانستان میزان وفیات نوزادان و کودکان و مادران، بسیار بلند است. علت این میزان بلند وفیات کودکان و مادران علاوه بر فاکتورهای فقر غذائی و سوء تغذی، فقدان زایشگاه‌ها، شیرخوارگاه‌ها، مراکز حمایه مادر و طفل و متخصصین فن است.

چند مرکز ناقص حمایه مادر و طفل، چند تن متخصصین فن و زایشگاه‌های که وجود دارد بیشتر مورداستفاده مشت قلیلی از خانواده‌های مرفه و صاحبان قدرت قرار میگیرد؛ زیرا این‌ها قدرت استفاده از سرویس‌های صحی را دارند و متخصصین فن هم در خدمت ایشان می‌باشند. بنابر شرایط مساعد زندگی و مراقبت دقیق و مداوم صحی است که میزان وفیات کودکان و کلان سالان در فامیل‌های ثروتمند خیلی کم است، درحالی‌که در خانواده‌های زحمتکش و محروم از نعم مادی یکه خود به وجود آورده‌اند میزان وفیات کودکان بیشتر از ۲۵ فیصد می‌باشد.

علاوه بر آنکه سرویس‌های صحی برای سرتاسر افغانستان خیلی محدود است، ازین هم بیش از ۸۳ فیصد خدمات طب به شمول شفاخانه‌ها، پولی کلینیک‌ها، دوکتور، نرس و سائر پرسونل صحی در کابل متمرکز است و بازهم در خدمت همان صاحبان زر و زور.

شرایط حفظ‌الصحه محیطی در کشور بسیار مدهش و شرم آور است. در شهرها و روستاها موجودیت أنت فضلات حیوانی و انسانی مگس و دیگر حشرات، عدم موجودیت آب آشامیدنی صحی، نبودن سیستم صحی برای جابجا کردن کثافات و فضلات، وجود بیت الخلاء های بدوی، گند و تعفن بزرگترین پرابلم های صحی کشور را تشکیل می‌دهد.

امراض ساری و اپیدمیک زندگی مردم کشور را تباه مینماید. مرض سل بزرگترین آفت فقر و بی‌معرفتی،

(ص ۲)

تظاهرات عظیم مردم امریکا بی‌تأثیر

بوده نمی‌تواند

باوجود آنکه حکومت امریکا با وسایل گوناگون تبلیغاتی تلاش نمود تظاهرات عظیم و تاریخی مردم امریکا را در روز ملی اعتراض علیه جنگ ویتنام بی‌تأثیر وانمود سازد. ولی تظاهرات ۱۵ اکتوبر که نمودار مخالفت شدید مردم امریکا با سیاست نظامی حکومت ایالت متحده امریکا و خشم و نفرت علیه جنگ غیرانسانی ویتنام می‌باشد تأثیرات عمیقی در داخل و خارج امریکا وارد نمود. گرچه ریچارد نکسن، قبل از شروع تظاهرات اظهار داشته بود که تظاهرات موعود بر سیاست وی تأثیری وارد نخواهد کرد. ولی بی‌نیاز از تذکر است که اگر حکومت ریچارد نکسن این عکس‌العمل بزرگ مردم امریکا را بر ضد جنگ ویتنام و سیاست نظامی امریکا در نظر نگیرد و بر ضد میل و اراده اکثریت عظیم خلق امریکا محض به خاطر پیشبرد منافع مشتی از امپریالیست‌های انحصارگر به آن ادامه دهد از یکطرف ماهیت ضد دموکراتیك آن را برملا خواهد ساخت و از جانب دیگر امریکا را هر چه بیشتر از نظر سیاسی و اخلاقی تجرید خواهد نمود. تحت تأثیر تظاهرات بی‌سابقه ۱۵ اکتوبر بود که دو نفر از نمایندگان کانگرس امریکا سناتور بل و سناتور جاویت مسوده فیصله نامۀ را به کانگرس پیش کردند و در آن تقاضا نمودند که باید تمام عساکر تا اخیر سال ۱۹۷۰ از ویتنام خارج گردد.

قهرمانان صلح فرانسه نمایشاتی به‌عنوان همبستگی با مطالبات اشتراک کنندگان روز ملی اعتراض علیه جنگ ویتنام در ایالات متحده امریکا، برپا کردند. بسیاری از هیأت های نمایندگان به سفارت امریکا در پاریس رفتند و تقاضا نمودند که باید تجاوز امریکا در ویتنام قطع گردد که در بین آن‌ها نمایندگان محصلان امریکایی در فرانسه نیز شامل بودند. اتحادیه ملی محصلان فرانسه در یکی از عمارات پوهنتون اجتماع کردند و همبستگی خود را با تمام نیروهای صلح که در ایالات متحده و دیگر کشورها در راه خاتمه دادن به تجاوز امریکا در ویتنام مبارزه می‌نمایند اعلان نمودند.

مطبوعات بورژوایی انگلستان نیز نتوانست از وسعت و عظمت تظاهرات اعتراضی علیه جنگ ویتنام در ایالات متحده امریکا چشم بپوشد.

لندن تایمز راجع به تظاهرات شجیعانه مردم امریکا می‌نویسد: میلیون‌ها امریکایی در صدها شهر در سراسر امریکا جمع شدند و مخالفت خودرا بر ضد جنگ ویتنام ابراز داشتند. در تاریخ امریکا این بزرگترین مظاهره بود که به خاطر صلح صورت گرفت.

روز نامه دیگر به نام **فایننشل تایمز** در این باره می‌نویسد: هیچ چیز بهتر از این نمی‌توانست مخالفت بین حکومت نکسن و میلیون‌ها امریکایی را برملا سازد. درین تظاهرات و اجتماعات بیشتر از آنچه توقع می‌رفت مردم اشتراک کردند.

همچنان روزنامه دیگری به نام دیلی تلگراف در باره این تظاهرات چنین اظهار نظر می‌کند: بدون شك این بزرگترین و جامع‌ترین مظاهره ضد جنگ بود که در ایالات متحد امریکا صورت گرفت.

روز نامه **ستاره صبح** مربوط حزب کمونیست انگلستان پیشنهاد مینماید که باید تظاهرات همبستگی با مبارزه قهرمانان صلح امریکا علیه تجاوز ایالات متحده در ویتنام در برتانیه شدید گردد.

در پایتخت سویدن (استکهلم) هزاران نفر ضمن تظاهرات بزرگی به‌عنوان همبستگی با خلق قهرمان ویتنام دست به مظاهره زدند. تظاهر کننده گان در مقابل سفارت امریکا بیرق امریکا و عکس بهای نکسن را آتش زدند و شعار می‌دادند که امریکایی‌ها از ویتنام خار شوید! جنگی و آدم کشی بس است! جنگ پلید ویتنام را ختم کنید!

جنرال وستمورلند سابق قوماندان قوای امریکا در ویتنام جنوبی گفت تظاهرات روز ملی اعتراض علیه جنگ ویتنام در امریکا معنویات عساکر امریکایی را در ویتنام خراب ساخت و آن‌ها را مأیوس نموده است. این بود مختصری از تأثیرات عمده تظاهرات میلیون‌ها نفر امریکایی بر ضد جنگ ویتنام که تبلیغات امپریالیست‌ها تلاش دارد از اهمیت و تأثیر آن بکاهد و آن را ناچیز وانمود سازد.

رسوایی و افتضاح موجودیت اتباع امریکایی در قوۀ نظامی اسرائیل دامنه وسیع‌تری پیدا کرد

بعد از نشر ابلاغیه سفارت کبرای امریکا در پایتخت اسرائیل که طبق آن اتباع امریکایی حق دارند با داشتن تابعیت امریکایی در اردوی اسرائیل شامل خدمت شوند در تمام شرق عربی اضطراب جدیدی به وجود آمده است. حکومت جمهوریت عربی متحد بیك سلسله مذاکرات عاجل با سفرای کشورهای عربی در قاهره دست زد. حکومت اردن از موضوع شمولیت اتباع امریکایی نیز به موسسه ملل متحد شکایت نمود.

حکومت عراق جلسات فوری جامعه عرب را خواستار شده است. محمود ریاض وزیر خارجه جمهوریت متحد عرب طی ملاقات با سفرای شوروی و فرانسه اظهار داشت: اجازه دادن به اتباع امریکایی که در اردوی اسرائیل شامل خدمت گردند اوضاع شرق میانه را باریکتر میسازد. وی گفت که امریکا اجازه می‌دهد اتباع آن در قوۀ نظامی کشوری داخل شود که کشورهای عربی با ایشان داخل جنگ هستند. این موضع گیری امریکا فقط آتش جنگ را دامن می‌زند و به مرحلۀ شدیدتری گسترش می‌دهد.

موجودیت اتباع امریکا در اردوی اسرائیل نه تنها اسرائیل را در سیاست تجاوزکارانه‌اش در شرق میانه تشویق می‌کند بلکه پای امریکا را بطور مستقیم در پیشبرد پلان‌های تجاوزکارانه و توسعه جویانه اسرائیل بر ضد کشورهای عربی می‌کشاند. این یقیناً وضع خطرناکی را به وجود می‌آورد. اگر جلو آن گرفته نشود دور نخواهد بود که متجاوزین امریکایی به پیروی از سیاست سودجویانه خویش ویتنام دیگری را در شرق میانه به وجود آورند و پای مردم امریکا را در یك جنگ کثیف دیگر چون جنگ ویتنام بکشانند و صلح جهان را از این ناحیه نیز به خطر جدی مواجه سازند.

له مترقی آثار و نه

یو علمی بحث

په تاریخ کی د شخصیت نقش

ټولنه د خپلو قوانینو په اساس د تاریخی ضرورت په اساسی تکامل کوي. خو اجتماعی قوانین تل د انسانانو د رفتار او اعمالو زیګنده دی، هغه انسانان چه د تاریخ جوړونکی دی.

په تاریخی جریان کښي انسانان څه اهمیت لری، په تاریخ کښي د خلکو د پرګنو نقش او همدا شان په تاریخ کښی د شخصیت نقش څه اهمیت لری؟ تاریخی مادیت په دی عقیده دی چه خلك د تاریخی جریان واقعی جوړونکی دی.

خلك د تاریخ د جریان واقعی جوړونکی او د ټولنی د تکامل تعینونکی قوه دی

د دی دپاره چه د تاریخ د جوړونکی په حیث د خلکو نقش درك کړو تر هرڅه لومړی دا لازمه ده چه په دی پوه شو چه خلك څه ته وائي او د خلکو پر ګنی کومی دی.

خلك کوم نه تغییریدونکی ثابت او د تل د پاره شی نه دی. خلك په لومړی درجه کښی له زیارکښو څخه عبارت دی او په هغي ټولنه کښی چه په متخاصمو طبقاتو ویشل شوی وی استثماریدونکو پرګنو ته خلك ویل کیږی. د غلامی په ټولنه کی خلك له غلامانو څخه عبارت وو. په فیوډالی ټولنه کښي خلك له رعایاو او پیشه‌ورانو څخه عبارت دی، په سرمایه داری ټولنه کښی د کارګرو طبقه، دهقانان، زیارایستونکی روشنفکران او نور هغه قشرونه چه د ټولنی په پرمخ تګ کښی مرسته کوی په خلکو کی شامل دی.

په هغی ټولنی کښی چه په متخاصمو طبقاتو ویشل شوی وي د ټولنی د ټولو وګړو ستر اکثریت ته خلك ویل کیږی، خو ټولو ته خلك نه ویل کیږی، په معاصری سرمایه داری ټولنی کښی یواځی یو ارتجاعی امپریالیستی قشر د خلکو په مقابل کښی دی.

په سوسیالیستی ټولنه کښی د هیواد ټولو وګړو یعنی کارګرو، دهقانانو او روشنفکرانو ته خلک ویل کیږی.

خلك د تاریخ جوړونکی دی

د تاریخ په جریان کښی دخلکو د پرګنو قاطع اهمیت د مادی نعماتو د تولید د شیوی له تعینوونکی نقش څخه ناشی کیږی. لکه چه ویل شوی دی مادی تولید د اجتماعی ژوند بنسټ دی، زیارایستونکی او د خلکو پرګنی د تولید غوره قوه دی. نو بنا په دی زیارایستونکی د اجتماعی تکامل تعیینوونکی دی.

اوس وګورو چه په مشخص ډول د تاریخ د جوړونکی په حیث د خلکو نقش په څه کښی دی.

د زیارکښو پرګنی په لومړی درجه کښي د خپل تولیدی کار په واسطی تاریخ جوړوی. ټول مادی ارزښتونه لکه ښار، کلی، کارخانه، لار، پول، ماشین، جامی، کوښی، خوراکی شیان، د کور لوازم او نور د دوی په لاس جوړیږی.

یا په بل عبارت ټول هغه شیان تولیدوی چه پرته هغو څخه د انسان موجودیت ممکن نه دی.

د خلکو پرګنی د تخنیك د ترقی اساسی محرکه قوه ده. پرته له دی چه په غالب ډول په خپله به وپوهیږی هغوی ورځ په ورځ، کال په کال، پیږی په پیږی په خپل لاس سره د خپل مهارت او خپل مداومت په واسطی د کار اوزار تکمیل کړی دی. همدغه کار دی چه په پای کښی د ژورو تکنیکی تحولاتو او د تولیدی قواوو د تغییر سبب کیږی، خو د تولیدی قواوو وده په ځان پسی د تولید د شیوی تغییر مینځ ته راولی لکه چه حتی د استثمارګر نظام د شرایطو په موجودیت کښی د خلکو کار ساده کیږی. د بشریت د پیشرفت مادی مقدمات او له یوه اجتماعی نظام څخه نوی اجتماعی نظام ته د ګذار شرایط برابروی.

په تاریخ کښی د خلکو د پرګنو نقش په دی پوری محدود او منحصر نه دی چه هغوی تولیدی قواوو ته وده ورکوی او له دغی لاری نوی اجتماعی نظام ته د ګذار مقدمات برابروی. همدا شان هغوی هغه غوره قوت دی چه د اجتماعی انقلابونو، د سیاسی او ملی آزادی بښوونکی نهضتونو سرنوشت ټاکی. د طبقاتو مبارزه او په لومړی درجه کښی د استثمارونکو په مقابل کښی د زیارکښو مبارزه چه د هغی عالی شکل اجتماعی انقلاب دی د هغو ټولنو د تکامل محرکه قوه ده چه په هغو کښی متخاصم - طبقات وجود ولری. د مریانو قیام چه د مریتوب د نظام بنسټ یی ونړاو فیوډالی نظام ته د مریتوب د نظام د ګذر له ډیرو غورو علتونو څخه ګټل کیږی. دهقانان او د بنارونو د بیوزله قشر د بورژوائی انقلابونو له غوره محرکه قواوو څخه وو چه د هغوی په نتیجه کښی فیوډالیزم خپل ځای د سرمایه داری مترقی نظام ته پریښود.

له سوسیالیزم نه پخوا د خلکو د کار او مبارزی ثمرات په خپله هغوی ته نه رسیده خو د خلکو کار او مبارزه هغه غوره عوامل وو چه د زیارکښو د آزادی او د سوسیالیستی مترقی نظام د مینځ ته راوړلو سبب شول.

د تاریخی جریان به تکامل کی د خلکو د نقش زیاتوالی

خلك تاریخ جوړوي خو نه پخپله خوښه، بلکه له عینی شرایطو سره په ارتباط کښی او په لومړی درجه کښی د مادی نعماتو د تولید د شیوی په ارتباط کښی. سره له دی له کومه ځایه چه مادی تولید په پرله پسي ډول تکمیلیږی او له ټیټو درجو څخه لوړو درجو ته وده کوی د تاریخ په جریان کی دخلکو نقش هم بدلون مومي. په عین حال **په تاریخ کښی د خلکو نقش د ټولنی د مترقی تکامل په تناسب زیاتیږی.** مترقی جهانی بینی روښانه کړی ده چه هر ځومره چه اجتماعی تحولات ژور او د ټولنی په مقابل کښی وظیفی ډیری جدی وي په هماغي اندازی د خلکو پرګنی چه د تاریخ په جریان کښی ګډون کوی پراخی او د هغو ګډون لا فعال وی.

په غلامی او فیوډالی ټولنو کښی زیارایستونکی حتی له لومړنیو انسانی حقوقو څخه بی برخی وو او د هغو خلاقه قوت به په بی رحمی سره خپل کیده.

بادارانو او فیوډالانو چه د حکومت، کار او سیاست، علم او هنر واګی یی په خپل لاس کښی نیولی وی خلك په ناپوهی او تیاره کښی ساتل.

اجباری او مشکل کار د خلکو یواځنی برخه وه. په هغه وخت کښی د خلکو فعالیت نسبتاً زیات نه وو. د استثمارګرو په ضد د هغو جګړه بریالی کیدای نشوای. په هغو وختو کښی د... په قول - تاریخ په وحشتناکی سستی سره مخ په وړاندي خوځیده. د سرمایه داری په شرایطو کښی له استثمار څخه د زیارکښو د نجات مادي مقدمات برابریږی. لوی ماشینی تولید او له هغه سره یو ځای د پرولتاریا طبقه چه کولای شی خلك د سرمایه داری په ضد مبارزی ته را وکاږی او د سوسیالیستی نظام د بریالیتوب په لار کښی هڅه وکړی منځ ته راځي. د پرولتاریا طبقه د کارګرو د طبقی پیش آهنګ ګوند ایجادوی چه د علمی جهان بینی په لارښوونه د زیارکښو د انقلابی مبارزی په سر کښی ځای نیسی. د پورتنیو دلایلو په اساس په سرمایه داری نظام کښی دخلکو د پرګنو نقش زیاتیږی او د تاریخ جریان تر زیاتی اندازی ګرندی کیږی.

خلك او د زیارکښو پرګنی د سوسیالیستی انقلاب غوره محرکه قوه ده، په خلاف د پخوانیو انقلابونو چه خلکو به یوازی د زاړه اجتماعی نظام د ورانونکی نقش لوباوه په سوسیالیستی انقلاب کښی نه یوازی زړه سرمایه داری ټولنه نړوی بلکه نوی سوسیالیستی ټولنه ایجادوی.

په سوسیالستی ټولنه کښی د خلکو د پرګنو فعالیت او په اجتماعی ژوند کښی د هغو نقش په خاص ډول زیات دی. سوسیالیزم د زیارایستونکو خلکو له ګټو سره سم دی له همدی جهته ده چه زیارکښ د سوسیالیزم په ایجاد کښی ژوره علاقه لری. **د نوی ژوند په جوړولو کښی د خلکو د پرګنو د فعالیت زیاتوالی د سوسیالیزم تکا مل قانون دی.**

د سوسیالیزم په شرایطو کښی د خلکو د پرګنو د نقش فوق‌العاده زیاتوالی تر هر څه لومړی د سوسیالیستی نظام په ماهیت، د سوسیالیستی تولیدی مناسباتو په برقراری او سلطی پوری اړه لری. د سوسیالیزم په شرایطو کښی د خلکو د پرګنو د نقش فوق‌العاده زیاتوالی په عین حال کی په هغو خطرناکو وظایفو پوری اړه لری چه د خلکو په مقابل کښي پرتی دی. د... بری د ټولنی په تکا مل کښی دیو ستر جهش او ټوپ معنی لری. د... بری د اجتماعي ژوند په ټولو برخو کښی د سترو او بی ساری تحولاتو نتیجه ده. په کامل ډول د درك وړ ده چه د داسی وظیفو اجرا کولو او د داسی تحولاتو منځ ته راوړل د خلکو د پرګنو له ګډون نه پرته امکان نلری.

په تاریخ کی د شخصیت نقش

بورژوائی ایدیولوګان مترقي عناصر په دی تومتی کوی چه په تاریخی ضرورت باندی اعتقاد لری او بنا په دی په تاریخ کښي د شخصیتونو او سترو کسانو او لارښوونکو د نقش له اهمیت نه انکار کوی. دا صحیح نه ده.

مترقی جهان بینی هیڅکله د شخصیت نقش ته لږ ارزښت نه ورکوی. مترقی عناصر په دي عقیده لری چه د تاریخ عینی جریان ته له خپلی خوښی سره سم د خپلو نظریاتو په بنا تغییر ورکړي. خو په عین حال کښی په دی هم عقیده لری چه شخصیتونه د تاریخ په تکامل کښی ستر رول لری.

علمی جهان بینی یوازی دا کارو کړ چه په اجتماعی تکامل کښی یی د شخصیت واقعی اهمیت وښود او روښانه ئي کړه چه شخصیت په کومو شرایطو کښي کولای شی په تاریخ کښی جدی رول ولوبوي.

په تاریخ کی د دلار ښوونکو رول

دا ځرګنده شوه چه د خلکو پرګنی تاریخ جوړوی. پرګنی په طبقاتو ویشل کیږی چه د طبقاتی مبارزی په جریان کښي خپل سیاسی ګوندونه مینځ ته راولي او تشکیلوی یی. ګوندونه خپل لیډران چه ښه مجرب، ښه پوه پوه او ښه فعال دی را وباسی. په تاریخ کښی د دی لیډرانو نقش دادی چه پر ګنی متشکلوی. د هغوی د فعالیت درجه زیاتوی دهغوی په مقابل کښی مشخصی وظیفی ږدی او د دی وظیفی د اجرا د پاره هغه مجهز کوی.

په هری اندازی چه پرګنی زیات فعالیت وښیی او په هری اندازی چه د اجتماعي ژوند د جوړونکو شمیر زیات وي د مجربو او پوهو لیډرانو د موجودیت ضرورت لا زیاتیږی، مترقی طبقه نشی کولای چه پرته له لیډرانو او مشرانو سیاسی تسلط لاس ته ورویږی، سیاسی قدرت وساتی او ټینګی یی کړی، خپل دولت تشکیل کړی او له خپلو دښمنانو سره بریالی مبارزه مخ په وړاندي بوزی.

«په تاریخ کی هیڅ طبقی تر هغه وخته پوری سلطه تر لاسه کړی نه ده تر څو چه یی خپل هغه سیاسی لیډران او مترقی نمایندګان پیدا کړی نه دی چه نهضت ته د سازمان ورکولو او دهغه د لارښوونی قدرت ونه لری»

د لیډرانو او ایدیولوګانو او مشرانو نقش د پرولتاریا په انقلابی نهضت کی په خاص ډول ډیر لوی دی. ځکه چه د پرولتاریا د پاره سازمان او کلك انضباط د هغو وظایفو د اجرا د پاره تر ټولو غوره وسیله ده چه په مخ کښی یی دی. سازمان بی له تجربه کارو او آبدیده لیډرانو نه څه مفهوم نلری. پرته له با نفوذه لیډرانو، پرته له بیباکه سازمان ورکوونکو، پر ته له پوهو ایدیولوګانو، کارګری نهضت نشوای کولای چه له استثمار ګرو سره د مبارزی صحیح وسیلی پیدا کړی.

ولی برجسته شخصیتونه منځ ته راځي ددوی قوت په کوم شی کی دی

برجسته شخصیتونه د تصادف په بنا مینځ ته نه را ځی. شخصیتونه د تاریخی ضرورت په اساس په هغی موقع کی چه متناسب عینی شرایط د هغو پیدایښت ایجاب کړی مینځ ته راځی. برجسته سیاسی فعالین د خلکو د پرګنو پیشوایان د ټولنی د ژورو انقلابی تحولاتو په دوران کی، د سترو سیاسی مظاهرو او توده یی قیامونو په دوران کی را ځرګندیږی. د علومو په ساحه کی نوابغ په غالب ډول هغه وخت را ځرګندیږی چه د تولید ارتیاوی دغه یا هغه ستر علمی اکتشافات ضروری وګرځوی. ستر هنرمندان په معمولی ډول د تاریخ په ډیرو حساسو لحظاتو کی په هغه دوران کی چه د تاریخ د عطف نقطه وی خپله قریحه ځرګندوی. دا باید په نظر کي ولرو چه دغه یا هغه قریحه یوازی په هغو حالت کی ځان ښئي او په تاریخ کی ثبتیږی چه تاریخ ورته اړوی.

کله چه برجسته شخصیتونو ته ضرورت پیدا شی د هغو ظهور یو ضروری کار دی. خو دا چه په خاص او معینو شرایطو کی دغه شخصیت ظاهریږی یو تصادفی شی دی. «دا موضوع چه په خاص ډول دغه شخصیت په معین هیواد کی په معین وخت کی را پیدا کیږی کاملاً تصادفی ده. خو که دا شخص یوی خواته کړو د هغه د جانشین مطالبه محسوسیږی او دغه جانشین را پیدا کیږی» دغه جانشین هغه وخت را پیدا کیږی چه دهغه د لازم اقتصادی او سیاسي شرایطو برابر شوی وی.

د تاریخ په پانو کی زیاتو شخصیتونو نومونه لیکل شوی دی. خو په واقعیت کی ټول لوی نه دی. تاریخ داسی کسان پیژنی چه د تاریخ د غوښتنو په مخالف لوري کی یی ګام اینبی دی او هڅه یی کړی ده چه د تاریخ ځرخونه بیرته شاته وګرځوی. دغه شخصیتونه چه د ارتجاعی طبقاتو د ګټو بنکارندوی وو له ماتی سره مخا مخ شوی دی.

واقعی ستر انسان هغه دی چه خپل ټول ژوند او ټول فعالیت یی د ټولنی د پرمختګ د پاره وقف کړی دی، واقعی ستر انسان هغه دی چه د هر نوی او مترقي شي دپاره په مبارزه کی خپل ټول توان په کار اچوی، واقعی ستر انسان هغه دی چه په نه ستومانیدونکی ډول د ټولنی د مترقي طبقاتو په استقرار او دمترقی اجتماعی نظام په ټینګولو کی مرسته کوی.

ولی یو برجسته شخصیت کولای شی داسی ستری او سختی وظیفی سرته ورسوي؟ دهغه قوت په کوم شی کی دی؟

د برجسته شخصیت قوت په لومړۍ درجه کی د هغه مترقی اجتماعی نهضت قوت دی چه دی د هغه بنکارندوی او لارښوونکی دی. برجسته شخصیت لدی جهته ستردی چه د تاریخ عینی جریان درک کوی، د ټولنی د ودی او تکا مل غوښتني وینی او په دی پوهیږی چه دغه غوښتني ځنګه ترسره کړی، ځنګه خپله ټولنه د بنه ژوند په لوری مخ په وړاندي بوزی. د هغه قوت په دی کی دی چه د مترقي طبقاتو په خدمت کی دی او د خلکو د پرګنو خدمت کوی او له همدي کبله د هغو نه بی انتها اعتماد او ملاتړ څخه برخوردار دی.

باید په نظر کي ولرو چه د ستر انسان شخصی خصوصیات هم ډیر مهم دی. یوازی هغه انسان کولای شی چه خپلی تاریخی وظیفی پای ته ورسوی چه زیات استعداد او لیاقت، پوهه او نبوغ، نه تمامیدونکی انرژی او ابتکار، قاطعیت او شجاعت ولري. په هری اندازی چه د ستر انسان شخصی صفات په کامل ډول له اجتماعی غوښتنو سره متناسب وي په هغی اندازی به یی تاریخ کی رول ځرګند او مهم وی.

علمی جهان بینی د شخصیت له پرستش سره جوړه نه ده

سره له دی چه علمی جهان بینی په تاریخ کی د شخصیت نقش منی، خو د هغه فعالیت د خلکو د پرګنو له فعالیت سره په ارتباط کی، له مترقی طبقاتو او سیاسي ګوندونو سره په ارتباط کی په نظر کي نیسي. مترقی جهان بینی د شخصیت له تقدیس سره جوړښت نه لری. د شخصیت پرستش یعنی د سترشخصیت په ړندو سترګو تبعیت کول، په دی باور لرل چه ستر شخصیت خارق العاده قدرت لری او کولای شی چه په خپله خوښه او له خپل میل سره سم تاریخ جوړ کړی. د شخصیت پرستش مترقي نهضت ته جدي زیان رسوی. د مترقی جهان بینی موسسینو دا عقیده وه چه یوازي ډله ایزه لارښوونه د انقلابی نهضت بریالیتوب تامینولای شی.

د شخصیت د پرستش زیان دادی چه د تاریخ د جوړونکی په حیث د خلکو رول، د ګونډ او دهغه د مرکزی ارګانونو نقش کموی، د ګوند فکری تکامل او د خلکو خلاقه انرژی له رکود سره مخامخ کوي. په زیارکښو کی دا فکر مینځ ته راولی چه په غیرفعال ډول د پورته خوا دستورونو ته سترګی په لاری وی د شخصیت پرستش ډله ایز لارښوونه، ګوندی دموکراسی، سوسیالیستی قانونیت نقض کوی او د سوسیالیزم له دموکراتیك ماهیت څخه لری ده. د سوسیالیزم خصلت د خلکو په کامل خلاقه قدرت کی ده نه د یوه شخص په بی حده قدرت کی...

په دی توګه د تاریخ د تکامل ټول جریان دا ښئي چه هر شخصیت که څه هم ډیر ستر وی نشی کولای چه د تاریخ جریان تعیین کړی. خلك او دخلکو پرګنی د تاریخ واقعی جوړونکی او د ټولو مادي او معنوی ارزښتونو ایجادونکی دی.

(از ص اول)

نگاهی بر محیط غیر صحی ...

چیچك بلای اجتماعی و کولرا تحفه سهل انګاری مسؤولین طب وقایوی و مقامات صحی کشور است. کولرا برای آن تحفه سهل انګاری مسؤولین طب وقایوی است که اصلاً این مرض یک مرض اپدیمیك و بومی افغانستان نمی‌باشد؛ اما همین امسال مانند سال‌های پار، در اثر بیچارګی‌های علمی و عدم اتخاذ تدابیر لازم، کولرا از سرحدات غربی وارد شد و در ولایات مختلف کشور مخصوصاً هرات، کندهار و کابل انتشار نموده تعدادی از خواهران و برادران ما را به‌طرف هلاکت و نیستی کشاند.

امراض ساری دیگر چون محرقه، پیچش‌ها، دیفتری، پارازیت‌های امعائی، انتانات چشم، امراض مقاربتی و غیره هر یك به‌نوبهٔ خود، بهترین واحدهای انسانی این جامعه را که ثروت واقعی خلق است به ناتوانی، معیوبیت، بی‌سر و سامانی خانوادګی و نیستی و مرګ می‌کشاند. البته جهل و فقر و بیکاری با پتالوژی امراض اجتماعی پیوند ناګسستنی دارد.

مسؤول این‌همه بیچارګی‌ها و حیات غیر صحي و مرګبار خلق شریف کشور کیست؟ مناسبات فرتوت اقتصادی و اجتماعی کشور، حکومت و سازمان‌های به‌اصطلاح صحی و ګردانندګان آن‌ها.

مشکل مردم کشور از ناحیهٔ عدم سلامت جسمی و مراقبت صحی در صورتی می‌تواند حل ګردد که شرایط حیات توده‌های مردم بهبودی حاصل نماید، خدمات صحی توسعه یابد و طب ملی ګردد که البته این مأمول بدون مبارزه طولانی، سرسخت و پیګیر نمی‌تواند برآورده ګردد.

(ر. ب)

قاسم اسماعیلی - امداد

نمی‌خواهیم با صحت و سلامت ما تجارت کنند!

شرایط ناگوار کار و زندگی، فقدان منازل صحی و غذای ناکافی در پهلوی زندگی‌های پر زرق و برق مشت محدودی از استثمارگران و سودپرستان بیرحم؛ حیات اکثریت عظیم دهقانان و پیشه‌وران ولسوالی خلم ولایت سمنگان را نابودی تهدید می‌کند. شیوع امراض گوناگون در خانواده‌های خلق زحمتکش از یکطرف و بی‌دردی و بی‌رحمی داکتر و سودجوئی و منفعت پرستی مالك یگانه درملتون این ولسوالی از جانب دیگر، هرآن سایه مرگ و تباهی را بر مردم بی‌دفاع گسترده‌تر میسازد.

وقتی مریض و یا مریضدار بینوائی به داکتر مراجعه کند؛ در قدم اول باید یکصد افغانی فیس او را با کرایه گادی در اختیار او بگذارد، وقتی این کار انجام شد جناب داکتر با هزاران کراهیت و منت گذاری بر بستر بیمار حضور بهم می‌رساند و بدون کوچکترین توجهی بوضع مریض، به اساس قرارداد قبلی با مالك درملتون نسخه‌یی از دواهای کهنه‌یی پر می‌شود که باید به‌حساب صاحب درملتون آب شود، چه فرق می‌کند اگر حال مریض را بدتر سازد و یا او را به‌مجرد استعمال رهسپار دیار عدم نماید!

وقتی با این نسخه مرگ؛ مریضدار بیچاره به درملتون می‌شتابد قیمت هر قلم از ادویه کهنه داخل نسخه گران‌تر از آب حیات است و او مجبوراً بامید خیرهٔ بهبود مریض خویش به قیمت قرض و آبروریزی خود این داروی مرگ را می‌ستاند و نتیجه همان میشود که همه می‌دانند!...

بنابر آن اگر مقامات مسؤول نخواهند دست این بلای مرگزا را از گریبان خلق کوتاه سازند، ما هم می‌خواهیم بیش ازین با صحت و سلامت ما تجارت کنند!

(محل امضای یک عده از اهالی خلم)

مردم زحمتکش پنجشیر ستم می‌کشند

مردم زحمتکش ولسوالی پنجشیر بطور کلی در شرایط بسیار نامساعد و دشواری بسر میبرند و اینست شمه‌یی از وضع حیات و مشکلات مردم در حصه دوم این ولسوالی:

حصهٔ دوم پنجشیر در میان سلسله کوه‌های سر به آسمان کشیده هندوکش واقع است که در حدود شانزده هزار مرد و زن درین منطقه زندگی می‌کنند. اکثریت باشندگان منطقه را که دهقانان تهیدست و زحمتکش تشکیل می‌دهد؛ مانند قسمت‌های دیگر افغانستان علاوه بر آنکه در تحت پاشنه‌های ستمگران و اربابان پایمال هستند، زندگی ایشان قربان خشم دریای طغیانی نیز می‌گردد. همه‌ساله تعدادی از انسان‌های شریف و آرزومند دیار را که اینطرف یا آنطرف رود مشغول کار و عرق ریزی می‌باشند و مجبورند از یکطرف به‌طرف دیگر آن بگذرند، آب‌های مست و خروشان در کام خود فرو می‌برد. هرگاه کوچکترین توجهی از طرف مسئولان (!) امور به عمل می‌آمد ازین ضایعات انسانی جلوگیری می‌شد و آن اعمار یکی دو پل بالای دریا و سرکی در کنار آن بود. گرچه چندین سال میگذرد ازین که در اثر تقاضاهای مکرر مردم، حکومت محلی وعده ساختمان دو پل را داده بود، ولی با این کار پرداخته نشده وقتیکه از وکیل ولسوالی درین مورد سؤال می‌گردد به‌سادگی می‌گوید که: «بودجه حکومت بیچاره کم است!» از مکتب به مفهوم واقعی کلمه که ظاهراً در ذهن یك ساختمان با سامان و وسایل مکمل درسی و غیره را مجسم میسازد، اصلاً خبری نیست. تعمیر مکتب نیمکاره باقی‌مانده است، زیرا پولی که غرض اعمار آن از مردم جمع آوری گردیده بود در قبض اشخاص ذی‌نفوذ درآمده است. در مکتب برای شاگردان نه تنها میز و چوکی بلکه حتی گلیمی هم وجود ندارد. شاگردان روی پارچه‌های سنگی نشسته و درس می‌گیرند.

درین منطقه بالنسبه پر نفوس که صدها انسان را همه‌ساله در بیماری‌های بسیار عادی از پای در می‌آورد، از داکتر و دوا خبری نیست.

(ع.م.س از حصهٔ دوم پنجشیر)

(ص ۴)

دردها، شکایتها و اعتراضات خلق

اهالی ولسوالی خوست و فرنگ

در شرایط ناگوار بسان قرون عتیقه زندگی می‌کنند

خوست و فرنگ یکی از ولسوالی های مربوط ولایت بغلان می‌باشد که مانند همه مناطق افغانستان اکثریت مطلق تودهٔ زحمتکش این منطقه در شرایط بسیار ناگواری حیات بسر میبرند و اما، یك مشت محدود خوانین و متنفذین محل از طریق استثمار وحشیانه توده بزرگ مردم از تمام نعمات و وسایل راحتی برخوردار هستند. اکثریت مطلق اهالی منطقه که دهقانان نادار و غریبکار اند، علاوه بر اینکه تحت ستم اربابان متنفذ قرار دارند و مامورین حکومتی در محل به اشکال و انواع مختلف باعث زجر و شکنجه ایشان می‌گردند، شرایط نامساعد اقلیمی و کوهستانی بودن منطقه مشکلات عدیدهٔ دیگری را برایشان تحمیل کرده است.

اهالي قریه‌های دوردست خوست و فرنگ مجبور اند که برای پرداخت مالیه و مراجعه به مرکز ولسوالی دو یا سه روز را بپیمایند و کو تل‌ها را پشت سر بگذارند، زیرا نه سرکی وجود دارد و نه کدام وسیله نقلیه. همچنین غالباً مردم مجبور می‌شوند که برای بدست آوردن مایحتاج اولیه زندگی از قبیل نمك، چای، تیل خاک و غیره به مراکز ولسوالی‌های مجاور مشکلات زیاد مسافرت را بر خود هموار نمایند. خوانین، سودخوران و جلابان محل از ین مشکل مردم بسود خود اکثر استفاده سوء را به عمل می‌آورند، مواد اولیه ضرورت مردم را به قیمت‌های گران می‌فروشند و در برابر، محصول کار توان‌فرسا و عرق ریزی مردم را به قیمت‌های خیلی نازل بدست می‌آورند. ارباب نفوذ محلی و سودخوران آزمند قبل از رسیدن فصل برداشت حاصلات زراعتی محصول دهقانان محتاج و تهیدست را خریداری (!) می‌نمایند.

فرزندان اکثریت زحمتکشان منطقه از نعمت سواد و معارف محرومند. یکی دو مکتبی که وجود دارد علاوه بر مشکلات دیگر نسبت بعد مسافه در دسترس اطفال بخصوص در قریه‌های دور دست نمی‌باشد. برای تعمیر مکتب متوسطه دو سال قبل یک مقدار کافی پول از اهالي فقیر ولسوالی جمع آوری گردید که قسمتی از آن به مصرف تعمیر رسید و قسمت دیگر به جیب قریه داران و متنفذین افتید و اکنون تعمیر مکتب به‌صورت نیمکاره باقیمانده، نه در دارد و نه کلکین. شاگردان بر روی زمین نمناك می‌نشینند و درس می‌خوانند.

در مورد مشکلات اهالی خوست و فرنگ و اینکه ایشان مثل دیگر مردم کشور به چه شیوه‌های مختلف غیرانسانی مورد استثمار و ستم واقع می‌گردند، باید زیاد سخن گفت! ولی از آنجائی که این موضوع بطور عام در سرتاسر افغانستان وجود دارد، بنابر آن دردهای مردم مناطق دیگر کشور که در صفحات پرچم خلق انعکاس می‌یابد، درد مشترك اهالي این ولسوالی نیز شمرده میشود.

(فاضل یار از خوست و فرنگ)

عمر نیض - هدایه انتهای کپی برچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

(از ص اول)

ضرورت تشکیل یک صف متحد ملی ...

کوچك سازمانی و سیاسی می‌باشد. ولی هرگاه عناصر دیگری در ولسی‌جرگه ظاهراً به جامه ملی و مترقي بخواهد در برابر ایجاد چنین صفی که ضرورت آن مسلم است به هر بهانه که باشد تفتین، کارشکنی و نفاق افگنی نمایند، بهتر است که چهره واقعی ایشان به حیث اجنت پرووکاتور برملا گردد.

برای اینکه چنین صف ملی در داخل ولسی‌جرگه به وجود آمده بتواند لازم است که یك پلتفرم مشترك برای انجام عمل مشترك طرح گردد و آن برای دو منظور:

اولاً وجوه مشترك نظرات و طرح‌های جداگانه از لحاظ منافع سازمانی مختلف (تا آنجائی که مسأله در چوکات صلاحیت‌ها و حدود کار در ولسی‌جرگه طرح شده می‌تواند) دریافت و فورمولبندی گردد. ثانیاً با طرح حداقل پروگرام کار مشترك می‌توان روی تجربه دورهٔ ۱۲ عناصری را که در وسط قرار دارند در صف ملی و مترقی داخل ولسی‌جرگه کشاند. روی این ملحوظ نکات عمده طرح حداقل یك پلتفرم مشترك برای عمل مشترك در ولسی‌جرگه به‌قرار ذیل می‌باشد:

۱- دفاع از ارزش‌های مصرح در قانون اساسی، حقوق و آزادی‌های دموکراتیك مردم اعم از آزادی بیان، مطبوعات، تشکیل احزاب، جمعیت‌ها تظاهرات و اعتصابات و غیره.

۲- در وضع کنونی در مجلس مجاهده برای به وجود آمدن یك حکومت ملی، قانونی و صادق به آزادی‌های مصرح در قانون اساسی.

۳- مبارزه برای وضع قوانین دموکراتیك بجهت مقدمه قانون اساسی و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی.

۴- ارزیابی و کرتیك علمي بودجه، تکس ها و مالیات و پلان‌های اقتصادی و تطبیق صحیح آن‌ها به نفع مردم و بجهت رشد صنعت و زراعت در کشور.

۵ - بررسی قراردادهای بین‌المللی بر اساس تعقیب سیاست مستقل ملی ومنافع مردم و رشد اقتصاد و فرهنگ کشور...

۶ - اشتراك در امر استیضاح و سؤال از حکومت به‌منظور جلوگیری از قانون شکنی‌ها و دفاع از حقوق اجتماعی و دموکراتیك مردم.

۷- مقاومت در برابر طبقات حاکم ارتجاعی و ستمگر و افشای ماهیت آن‌ها.

۸- افشای فساد دستگاه اداره دولت و ظلم و ستمگری آن‌ها.

۹- مبارزه علیه استبداد، ارتجاع و استعمار.

این‌ها نکات عمده طرح یك پلاتفورم مشترك و یا مرام حداقل کار پارلمانی است در داخل صلاحیت‌های شوری بر اساس ارزش‌های قانون اساسی. البته با تغییر وضع در جریان مبارزه پارلمانی طی چهار سال دیگر در اثر مذاکرات و مفاهماتی که به عمل خواهد آمد و جمع بندی انعکاسات خارج پارلمانی می‌توان در آن تغییراتی را به وجود آورد.

ما متیقنیم که ایجاد چنان صف ملی و مترقی در داخل ولسی‌جرگه بر مبنای پروگرام کار حداقل مطروحه، انعکاس قوی و مثبت در خارج شوری به وجود خواهد آورد و زمین‌های برای جنبش خواهد شد.

وظیفه خویش میدانیم بار دیگر خاطرنشان سازیم که به وجود آمدن یك صف متحد، متشکل از عناصر ملی، دموکرات و مترقی به اشتراك سایر عناصر تحول طلب و به‌اصطلاح میانه رو در ولسی‌جرگه در اوضاع و احوال کنونی یك ضرورت است. کسانی که بنام مبارزه ملی و مترقی بخواهند ایجاد چنین هسته کار را با دامن زدن به اختلافات تخریب کنند. سعی میشود جلو اعمال فتنه‌گرانه آن‌ها گرفته شود و البته مسؤولیت عواقب آن به عهده فتنه گران خواهد بود.

(از ص اول)

در راه وضع قوانین دموکراتیک به‌مثابه شعار روز باید مبارزه کرد!

- در یك کلمه بسود طبقات و محافل حاکمه ارتجاعی کشور از قانون اساسی تفسیر و توجیه نادرست نمایند.

بر اساس همین مشی جاری و صور مبارزات دمکراتیك و ملی است که چه در درون پارلمان و چه در خارج از آن مشخص می‌گردد کدام عناصر و نیروهای سیاسی و اجتماعی در کدام صف قرار می‌گیرند.

نکته دیگر قابل اهمیت درین زمینه همانا صورت استفاده از خالیگاه های است که در قانون اساسی باقی‌مانده و یا صورت پر کردن آن‌هاست. از جمله یکصد و بیست و هشت ماده قانون اساسی در حدود نود ماده آن به قوانین فرعی معوق گردیده است. غالب قوانین فرعی از جمله آن عده قوانینی که پس از انفاذ قانون اساسی وضع شده‌اند در بسی موارد با ارزش‌های دموکراتیك مندرج در قانون اساسی و بخصوص مقدمه قانون اساسی تناقض دارند. تا جایی که معلوم است در قوانین فرعی دیگری که در آینده وضع می‌گردند تمایلات بجهت ایجاد محدودیت‌های بی‌مورد و تصرفات بخصوص در مورد حقوق اجتماعی و آزادی‌های مردم، وجود دارد.

حین وضع قوانین طرح کنندگان پروژه‌های قانونی و مقامات قانون‌گذاری به نمایندگی از طبقات حاکمه در کشور سعی می‌نمایند که هر چه بیشتر با توجیه و تعبیر نادرست قانون اساسی به قوانین موضوعه ماهیت ارتجاعی بدهند. مثال مشخص برین امر قانون احزاب، قانون انتخابات، قانون ازدواج، قانون سروی اراضی و غیره است که محدودیت‌های بی لزوم و دور از واقع وضع شده است.

باوجودایکه قانون‌گذار تا حدود زیادی نمایندگی از طبقات مسلط ارتجاعی در جامعه مینماید ومنافع این طبقات را در قوانین انعکاس می‌دهد. ولی خواست‌ها، مبارزات و مقاومت‌های مردم خود عامل نیرومندی است که خواهی‌نخواهی باید در نظر گرفته شود و منافع مردم تا حدودی در قوانین انعکاس بیابد. مؤسسات قانون‌گذاری در افغانستان تلاش می‌ورزند که این عامل را قطعاً در نظر نگیرند و همه‌چیز را به نفع صاحبان قدرت تمام کنند.

لهذا عناصر و نیروهای ملی و مترقی چه در پارلمان و چه برون آن وظیفه دارند که در اثر مبارزه پیگیر خویش و سازمان دادن مقاومت‌های مردم جلو این خودسری‌ها را بگیرند و نگذارند که قوانین ارتجاعی ضد منافع و مصالح مردم وضع و تصویب گردد. درین زمینه می‌توان مقدمه قانون اساسی را مورد استناد قرار داد که من‌جمله در آن گفته میشود:

«به‌منظور تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق به مقتضیات عصر و بر اساس واقعیات تاریخ و فرهنگی ملی،

به‌منظور تامین عدالت و مساوات،

به‌منظور تطبیق دموکراسی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی،

به‌منظور تنظیم شئون و ارکان دولت برای تامین آزادی و رفاه افراد و حفظ نظم عمومی

و درنهایت:

به‌منظور تشکیل یك جامعه مرفه و مترقی بر اساس تعاون اجتماعی و حفظ کرامت انسانی»

لهذا وظیفه مبرم روز و جاری نیروهای ملی و دموکراتیك، ترقی‌خواه و وطنپرست کشور است که برای تحقق پرنسیپ های مقدمه قانون اساسی و در جهت آن بخصوص در تدوین قوانین دموکراتیك به‌صورت پیگیر مبارزه نمایند.

اهالی ولسوالی نهر شاهی بلخ از مقامات معارف شکایت دارند

ولسوالی نهرشاهی ولایت بلخ یکی از نقاط پر نفوس این ولایت است؛ اما سال‌هاست فرزندان بااستعداد و آرزومند آن نسبت فقدان زمینه مساعد برای ادامه تحصیلات عالی‌تر در نیمه راه تحصیل به آوارگی و بی‌سرنوشتی بسر میبرند؛ زیرا از عمر یگانه بشوونځی ابتدائی (ابولمطیع بلخی) بیشتر از سال‌های حیات پیرمردان این دیار میگذرد، مگر مقامات مربوط معارف علیرغم تقاضاها و عرایض اهالی حاضر نمی‌شوند لااقل این بشوونځی ابتدائی را به متوسطه ارتقا دهند. مردم شدیداً انتظار دارند که مدعیان انکشاف معارف متوازن هرچه زودتر به این امر حیاتی‌شان جدا توجه کنند.

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند خپروونکی

۵ عقرب ۱۳۴۸

اعلامیه مشترك شوروی و ویتنام

در ختم مسافرت هیأت حکومتی جمهوریت دموکراتیك ویتنام به اتحاد شوروی اعلامیه مشترکی نشر و در آن گفته می‌شود که اتحاد شوروی به‌ضرورت خاتمه دادن به تجاوز و اخراج کامل و بدون قید و شرط عساکر امریکایی و متحدین آن از ویتنام قویاً اصرار می‌ورزد.

«اتحاد شوروی از پروگرام ده فقره‌ای جبهه آزادی‌بخش ملی و ویتنام جنوبی و حکومت موقت انقلابی جمهوریت ویتنام جنوبی، به‌مثابه اساس صحیح برای حل سیاسی پرابلم ویتنام کاملاً پشتیبانی می‌نماید.»

اتحاد شوروی مداخله مسلحانه امپریالیزم امریکا را در امور ویتنام جنوبی بار دیگر شدیداً محکوم کرد و آمادگی خود را برای ادامه کمک ضروری به خلق ویتنام در مبارزه‌شان به خاطر آزادی ویتنام جنوبی، دفاع از ویتنام شمالی و به خاطر وحدت صلح‌جویانه وطن شان ابراز داشت.

در اعلامیه گفته می‌شود طی موافقت نامه‌های که به امضاء رسید اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۰ خوراکه باب، مواد نفتی وسایل حمل و نقل، انواع فلزات و کودکیمیاوی، اسلحه و جبه خانه و دیگر مواد مورد ضرورت به جمهوری دموکراتیك ویتنام تحویل خواهد داد. هیأت ویتنام شمالی تأکید نمود که اعمال حکومت امریکا در ویتنام و موضع‌گیری هیأت امریکا در مذاکرات پاریس نشان می‌دهد که «حکومت ایالات متحده امریکا هنوز به خط مشی ورشکسته خود ادامه می‌دهد و کوشش می‌نماید که رژیم ارتجاعی دست نشانده را در ویتنام جنوبی توسط اسلحه تقویه کند، و مردم ویتنام جنوبی را از حق مشروع شان در حل و فصل آزادانه امورشان محروم سازد.»

«مردم ویتنام جنوبی به‌منظور اجرای وصیت نامه هوچی من یکجا با هموطنان خود در ویتنام شمالی و به اتکای همه نیروهای مترقي جهان مصمم هستند مبارزه مسلحانه، سیاسی و دیپلماتیک خودرا تا برآورده شدن کامل آرزوهای ملی مردم ویتنام، تا پاك کردن خاک ویتنام از متجاوزین امریکایی و دنباله روان آن‌ها ادامه دهند.»

چکسلواکیا تنها در پهلوی

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی می‌تواند مسئولیت‌های بین‌المللی خودرا ایفا کند

یك هیأت عالی رتبه جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا به رهبری گوستاوهوساك منشی اول حزب کمونیست، لودویك سوابودا رئیس جمهور و اولدریك چرنیك صدراعظم چکوسلواکیا به غرض یك بازدید دوستانه وارد ماسکو گردید. گفته میشود که این هیأت روی مسایل مربوط به تقویه مزید دوستی و همکاری همه جانبه بین اتحاد شوروی و چکسلواکیا و دیگر مسایل مورد علاقه بحث خواهند کرد.

اولدریك چرنیك صدر اعظم چکسلواکیا در ضیافتی که از طرف گوستاوهوساك و سوابودا ترتیب شده بود طی بیانیه‌ای در ماسکو اظهار داشت:

مذاکرات ماسکو به ما موقع می‌دهد که بار دیگر روش صمیمی خود را در برابر اتحاد شوروی، دو ستی عمیق خود را با مردم شوروی که در اثنای جنگ دوم جهانی با خون مهر شده است، سپاس گزاری خودرا به اردوی قهرمان شوروی به خاطر آزاد کردن چک‌ها و سلواک‌ها عزم راسخ خودرا در راه حفظ دوستی دائمی با ملل اتحاد شوروی و دوشادوش آن‌ها، ساختن مترقی‌ترین سیستم اجتماعی تکرار کنم.

چرنیك گفت که بازدید هیأت چکوسلواکیا در زمانی از اتحاد شوروی صورت می‌گیرد که برای انکشاف ما اهمیت زیاد دارد.

حزب کمونیست چکوسلواکیا مجدانه و با عزم راسخ در راه استحکام همه جانبه وضع داخلی در کشور سعی می‌ورزد و کوشش می‌کند مناسبات با دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر و در درجه اول با اتحاد شوروی تقویه و رشد یابد. از همین جهت است که مذاکرات ما با نمایندگان حزب کمونیست و حکومت اتحاد شوروی در این وقت برای ما حایز اهمیت زیاد می‌باشد. هیأت چکسلواکیا عقیده دارد که نتایج مذاکرات ما در حل پرابلم های معاصر چکسلواکیا کمک خواهد کرد.

چرنیك گفت که حکومت و حزب کمونیست چکوسلواکیا می‌دانند که تنها در پهلوی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی می‌توانند وظایف بین‌المللی خودرا انجام دهند. وی اظهار داشت که حزب کمونیست چکوسلواکیا برای بیرون کشیدن کشور از هرج و مرج و بحران سیاسی و تحکیم وضع داخلی گام مصمم برداشت. پلینوم سپتمبر کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا مرحله اول استحکام داخلی را تکمیل نمود. چرنیك گفت که حزب کمونیست چکوسلواکیا معتقد است که تسریع این انکشاف تکمیل مبارزه علیه اپورچونیست های راست را در درون حزب و بقایای نیروهای ضد سوسیالیستی را در داخل جامعه ضروری می‌داند.

باید مجرمین کشتار وحشیانه دختران مایه افتخار خلق ویتنام شدیداً مجازات شوند

کمیته زنان شوروی اعتراض شدید خودرا علیه شکنجه‌های وحشیانه و اهانت یکنیم هزار زنان ویتنام جنوبی در زندان تودوك ابراز داشت.

در اعلامیهٔ کمیتهٔ زنان شوروی گفته میشود که مادران و اطفال قربانیان ترور خونین تجاوزکاران ایالات متحده امریکا و حکومت سیگونی می‌باشند. بسیاری از زنان کشته شده‌اند. زنانی که باقیمانده‌اند محکوم به مشقات تحمل ناپذیر، امراض کشنده و شکنجه‌های اخلاقی می‌باشند. در بسیاری از زندان‌های دیگر ویتنام جنوبی نیز اعمال دهشتناک اجرا می‌گردد.

کمیته ضمن ابراز احساسات میلیون‌ها زن شوروی تقاضا نموده که باید جنایات عظیم ارتجاع متوقف گردد.

همچنان کمیته مطالبه نموده است که باید زنان زندانی در زندان تودوك فوراً رها گردند و مجرمین کشتار دختران مایه افتخار ویتنام شدید مجازات شوند.

هم اخبار هفته گذشته

نیویارك: رئیس سازمان محصلان امریکا طی میتنگی اظهار داشته است: ما خودرا برای تظاهرات ۱۴ و ۱۵ نومبر آماده می‌کنیم. وی این اظهارات نکسن که گویا تظاهرات ۱۵ اکتوبر یك امر تصادفی بود رد کرده گفت: بین ما و دولت نکسن صلح برقرار نخواهد شد تا در ویتنام صلح به وجود نیاید. ما این نبرد را تا پیروزی کامل ادامه می‌دهیم.

یك سناتور امریکایی گفته است: افکار مردم جهان را باید نکسن به‌حساب بیاورد. مردم به هیجان آمده‌اند. مردم می‌خواهند امریکا مشی جدیدی اتخاذ نماید.

در تظاهرات عظیم روز ۱۵ اکتوبر گسهال رهبر حزب کمونیست امریکا در نیویارک در ضمن یك میتنگ بزرگی اظهار داشت: این تظاهرات یکبار دیگر نشان داد، خلق امریکا تا چه اندازه با جنگ و آدم کشی مخالفند و این بزرگترین هیجانات سیاسی در سال‌های اخیر و مبارزه ملی و خلقی مردم امریکاست.

خلق امریکا انزجار شدید خودرا با جنگ و تبلیغات زهرآگین ابراز می‌کنند.

او گفت: این در حقیقت شورش واقعی خلق ماست. مردم ما با جنگ ویتنام مخالفند و باید تجاوز بر ویتنام از جانب امریکا خاتمه داده شود.

تل ابیب: روزنامه داور چاپ تل ابیب می‌نویسد: کسانی که ده سال در اسرائیل سکونت کرده می‌توانند در اردوی اسرائیل داخل و خدمت کنند.

بر اساس این نوشته بسیاری از ماجراجویان امریکایی می‌توانند با دستمزدهای کلان در اردوی اسرائیل خدمت کنند.

تریپولی: رئیس شورای انقلابی لیبیا اظهار داشت: در اردوی لیبیا یك سلسله اقدامات بمیان خواهد آمد تا اردو از وجود عناصر ناپاك، پاك گردد. او وجود قوماندانی مشترک را خواهان شد.

هاوانا: در یکی از شب‌های هفته گذشته ناگهان رادیو هاندوراس گفتاری را علیه نفوذ و تسلط سرمایه داران امریکایی در آن کشور انتشار داد. رادیو اعلان کرد: هم اکنون قسمت اعظم از صنایع و معادن هاندوراس در دست سرمایه داران امریکایی است. (۹۵) فیصد صنایع چوب کشور را امریکاییان در دست گرفته‌اند. بانک‌ها به اختیار بانکداران بزرگ امریکایی است و حاصل بهترین زمین‌های آن کشور را امریکایی‌ها غارت می‌کنند. نطاق رادیو مردم را به مبارزه علیه نفوذ امپریالیزم امریکا در هاندوراس و مقاومت در مقابل غارتگران امریکایی دعوت کرد. ایستگاه رادیو هاندوراس بلا فاصله توسط قوای نظامی اشغال شد و پروگرام رادیو برای مدتی قطع گردید.

در بولیویا: گروهی از افراد نظامی بولیویا تأسیسات شر کت نفتی بولیویا را اشغال کردند. این شرکت توسط حکومت بولیویا ملی اعلان شد. رئیس جمهور بولیویا اظهار داشت: دادن امتیاز نفت به امریکا مخالف به مصالح کشور بولیویا می‌باشد.

ملی کردن صنایع نفت و شرکت‌های نفتی از جانب بولیویا به‌عنوان یك رویداد ملی و وطن‌پرستانه از جانب جراید کیوبا تلقی شده است.

همچنان حزب کمونیست ونزویلا این اقدام بولیویا را یك عمل عمیقاً وطن‌پرستانه خوانده است.

لیما: برون کردن انحصارگران نفتی از کشورهای امریکای جنوبی یکی از مهمترین اعمال این کشورهاست. این جملات در تظاهرات عظیمی بیان شد که به طرفداری از ملی کردن صنایع نفت در پیرو، در پایتخت آن کشور، شهر لیما سازمان داده شده

پیکنگ: طبق موافقهٔ قبلی مذاکرات بین معاونین وزارت خارجه چین و اتحاد شوروی در پیکنگ آغاز شده است. درین مذاکرات طرفین در اطراف موضوعات طرف علاقه باهم مذاکره خواهند کرد.

نیویارک: قوماندانی ایالات متحده امریکا ارقامی در باره خسارات وارده به قوای نظامی آن کشور انتشار داده است و اینکه ارقام موجود به حداقل تقلیل داده شده است، تردیدی نیست. ولی همین اعتراف نشان می‌دهد ضربات وطن‌پرستان ویتنامی به دستگاه امریکا تا چه اندازه خورد کننده است.

قوماندانی قوای امریکا در سایگون اعتراف می‌کند که وطن‌پرستان ویتنام جنوبی تا اکنون ۵۹۹۳ طیاره و هلیکوپتر را در زمین و هوا نابود کرده‌اند. ارزش این طیارات و هلیکوپترها بیش از ۱ میلیارد دالر برآورد شده است.

خرطوم: در سودان اعلام شده است که حکومت انقلابی سودان برای عادی کردن وضع از هیچگونه تلاش فرو گذاشت نمی‌کند و شرایط مساعد را برای تأمین عدالت رویکار آورده است. پروگرام عملی مهم را که عبارت از شامل ساختن سران قبایل در کابینه می‌باشد، تنظیم کرده است. نطاق حکومت سودان این شایعه را که فعالیت کمونیست‌ها در سودان محدود میشود رد کرده و گفت: کمونیست‌ها یکی از مهمترین نیروی ترقی و پیشرفت‌اند و آن‌ها وطن‌پرستان حقیقی‌اند.

روم: در اعتصاب سرتاسری ایتالیا بیش از یك میلیون و پنجصد هزار نفر شرکت کرده است. کارگران ایتالیائی خواهان اضافه شدن دستمزد، تقلیل ساعات کار و بهبودی شرایط زندگی خود هستند. در تظاهراتی که روز گذشته در شهرهای جنوبی ایتالیا رخ داد چندین برخورد بین پولیس و کارگران صورت گرفت وعدهٔ از طرفین مجروح شدند.

الجزایر: بومیدین رئیس شورای انقلابی الجزایر در مقابل کار کنان عالی‌رتبه وزارت خارجه الجزایر اظهار داشت: بدون تأمین کامل استقلال اقتصادی تامین کامل استقلال سیاسی ناممکن است. الجزایر آرزو مند برقراری روابط دوستی متقابله با تمام کشورها می‌باشد و از مبارزه عادلانه خلق ویتنام پشتیبانی تمام و کمال دارد و پشتیبانی خودرا از مبارزات مردم امریکای لاتین اعلام می‌دارد و این یکی از اصول اساسی سیاست خارجی الجزایر می‌باشد. بومیدین گفت: پایه سیاست ما را ضد امپریالیزم و ضد استثمار تشکیل می‌دهد.

لندن: اعتصاب معدنچیان انگلستان روز بروز توسعه می‌یابد. هم اکنون بیش از ۱۰۰۰۰۰ معدنچی در حال اعتصاب بسر میبرند. آن‌ها خواهان ۴۵ ساعت کار در هفته و افزایش دستمزد خود هستند.

توکیو: جهت مقابله با تظاهرات عظیم مردم جاپان علیه قرار دادهای نظامی با امریکا و وجود پایگاه‌های آن کشور در جاپان هفتاد هزار پولیس آماده شده‌اند. میلیون‌ها نفر از مردم جاپان خواهان الغای قرار دادهای نظامی امریکا و جاپان می‌باشند. در زدوخوردی که اخیراً در جاپان بین پولیس و مظاهره‌چیان رخ داد، دو صد نفر زخمی شدند.

مسکو: کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مناسبت جشن انقلاب اکتوبر شعارهایی را ترتیب داده است که در آن‌ها من‌جمله گفته میشود: «وظیفه اصلی ما تأمین هرچه بیشتر وحدت جهان کمونیزم می‌باشد! ما درودهای گرم خودرا به خلق قهرمان ویتنام ابراز می‌داریم! ما خواستار عملی شدن موافقت‌نامه‌های شورای امنیت اخراج قوای اسرائیل از سرزمین‌های عربی می‌باشیم!» در شعارها از همه محافل دموکراتیك و صلح‌دوست دعوت میشود تا بجهت استقرار دموکراسی، صلح و سوسیالیزم در جهان مبارزه پیگیر نمایند. همچنان خلع سلاح عام و تام، عدم انتشار سلاح هستوی تقاضا شده است.

جمهوریت دموکراتیک سومالی از طریق نظام سوسیالیستی اداره خواهد شد

آژانس‌های خبرگزاری جهان اطلاع دادند که در سومالی کودتای نظامی صورت گرفته است. این کودتا پس از هفت روز از قتل رئیس جمهور آن کشور داکتر رشید علی شرماك انجام شد.

رهبر کودتا اعلامیهٔ شورای انقلاب را ایراد کرد. او گفت سیاست ما بی‌طرفی، حفظ قراردادها، حمایت از جنبش رهائی‌بخش ملی، حقوق بشر و طرفداری از منشور ملل متحد خواهد بود. در اعلامیه گفته میشود: با جنگ نمیتوان موضوعات بین‌المللی را حل کرد. یك سیاست ملی می‌تواند موضوعات مختلفه را حل نماید

شورای انقلابی مجلس را منحل، قانون اساسی را معطل و تمام وزرا را گرفتار کرده است. اعلام گردیده است: صدر اعظم حکومت سابق که زمین‌های دولتی را به دوستان خود فروخته و پول آن را به جیب زده بود تحت محاکمه گرفته میشود.

شورای جدید انقلابی سومالی نام دولت سومالی را به «جمهوریت دموکراتیك سومالی» تغییر داده است.

در یك اعلامیهٔ بعدی شورای انقلابی آن کشور گفته میشود که کشور از طریق نظام سوسیالیستی اداره خواهد شد، فعالیت احزاب ممنوع است و قانون اساسی جدید تدوین خواهد شد. در سومالی جراید مصادره گردیده و تنها یك روز نامه بنام «ستاره اکتبر» به نشرات خود ادامه می‌دهد. اکنون در سر تا سر سومالی اوضاع روبه آرامش می‌رود.

سومالی در شرق افریقا واقع است و از جانب شرق به بحر هند از طرف شمال به خلیج عدن و از جانب غرب به حبشه و از طرف جنوب به کینیا هم سرحد است.

دولت لبنان با امپریالیزم و اسرائیل همکار مینماید

بحران سیاسی لبنان که با جنگ‌های طولانی در جنوب آن کشور بین مبارزین عربی و عساکر لبنانی آغاز شده بود، به اوج خود رسیده است رشید کرامی صدراعظم از وظیفهٔ خویش استعفا کرد و اعلان نمود که وی مقصر بحران اخیر نیست.

احزاب سیاسی سیاست حکومت لبنان را شدیداً محکوم نموده‌اند.

در سرتاسر لبنان حکومت نظامی اعلان گردیده و عدهٔ دستگیر شده‌اند.

مردم در سرتاسر لبنان سؤال می‌کنند مقصر اصلی کیست؟ سازمان محصلان و اتحادیه معلمان لبنان به‌عنوان اعتراض نسبت به رویه دولت لبنان با مبارزین عربی دست به اعتصاب زدند. سه روزنامه لبنانی که در باره زدوخورد جنوب آن کشور بین عساکر لبنانی و پارتیزان‌ها، مطالبی نشر کرده بودند، مصادره شدند.

کشورهای عربی دولت لبنان را متهم به همکاری با امپریالیزم و اسرائیل نمودند.

جراید جمهوریت عربی متحد، عراق و سوریه می‌نویسند: در اثر فشار امپریالیزم امریکا و دولت اسرائیل، لبنان این حوادث خونین و ننگین را به وجود آورده است.

در مظاهراتی که در بغداد در مقابل سفارت لبنان صورت گرفت مظاهره‌چیان بیرق لبنان را پائین نموده و عوض آن پرچم سازمان مقاومت فلسطین را به اهتزاز در آوردند. در سوریه، کویت و اردن مظاهرات ضد دولت لبنان صورت گرفت. جمهوریت جوان لیبیا از لبنان خواسته تا سفیر خودرا از تریپولی فراخواند.

سازمان مقاومت فلسطین طی اعلامیه‌یی دولت لبنان را متهم به تابعیت از امپریالیزم و حکومت پوشالی اسرائیل نموده است. در اعلامیه گفته میشود: دولت لبنان از گسترش مبارزه خلق عرب علیه امپریالیزم و اسرائیل سخت به وحشت افتاده است. در اعلامیه قید است: این چندین بار است که دولت لبنان فرمان ریختن خون مبارزین را می‌دهد. در اعلامیه گفته میشود: در صورت ادامه این وضع مبارزین به مقاومت مسلحانه خواهند پرداخت و در سرتاسر لبنان شروع به فعالیت خواهند کرد و هیچ قدرت نخواهد توانست که جلو این حرکات مسلحانه را بگیرد.

پائیز

برای تو، درخشش آفتاب پریده رنگ پائیز با آن غروب دل انگیزش مستی شاعرانه‌ای دارد ولی برای من که نسج زندگیم را از تاروپود پائیزها و سردی‌ها و زمستان‌ها سرشته‌اند، جلوه «دل انگیز» پائیز جز تکرار یك مرگ دیگر نیست.

آری! آنچه مایه نشاط تست، مایهٔ مرگ منست.

زوزهٔ باد پائیزی برای تو زمزمهٔ آهنگ شادی بخشی است، ولی برای من، این، پیشدار سپاه ستمگر زمستانیست که آیا امسال کدامین کودکم را با دشنه سرما و گرسنگی و مرض سر خواهد برید.

پیچ و تاب دانه‌های برف در شبی زمستانی، منظره شاعرانه و قشنگیست برای تو، که در بستری گرم خزیده‌ای.

ولی چکنم؟ برای من که سقف لرزان کلبه گلینم را تاب پایکوبی شب‌هایش نیست، برای من که لالائی هر شبه ام فریادهای درد آلود توان‌سوز کودک بیمار منست، نشاط انگیز نیست و نباید هم باشد زیرا:

آن چه مایه نشاط تست، مایه مرگ منست.

آری! همه‌چیز ما مانند زندگی ما باهم در تضاد است: پائیز تو، پائیز من نیست و بهاران تو بهاران من، آن چنان که نشاط تو نشاط من نیست. گفتم: »بهاران من«، آری بهاران من فرا روئیدنیست، هم چنان که بعد از هر پائیزی بهار فرا می‌روید.

ولی من در انتظار «رویش» بهاران خود نخواهم نشست بلکه بهاران خودرا خواهم «رویاند» و دست به دست همه «کلبه گلین» ها برف‌های سرد زمستان‌ها را از بام خویش خواهم زدود.

لکه‌ی سیاه ابر را از چهره خورشید فروزان حقیقت خواهیم سترد ودر پرتو آن یخبندان ستم را به آب گوارای زندگی بخش مبدل خواهیم نمود.

آری! آن جا دیگر بهاران دل انگیز ما، بهاران شادی بخش ما، بهاران زندگی ما - بهاران شادی آفرین سبز رونده ما خواهد بود.

آن جا دیگر بهاران تو نیست، پائیز سرد غم انگیز تست، زیرا بهاران خلق پائیز ستمگران است.

آن چنان که حالا: بهاران نشاط آفرین تو، پائیز شاعرانه و مستی بخش تو، هردو شب تاریک زمستان غم انگیز منست.

د. کاویان

پرچم

صاحب امتیاز : سلیمان لایق **مدیر مسؤول: میر اکبر خیبر**

تیلفون: ۲۳۱۶۴ **د یوی ګنی بیه ۲/۵ - افغانی**

تایپ متن قاسم آسمایی
ویرایش جدید: عمر فیض

مطبعه دولتی